

قرآن کریم

واندیشه‌های تاریخی سیاسی و اجتماعی

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی





📖 چکیده:

تاریخ به منزله آینه ای است که چهره ی پیشینیان، چه زشت و چه زیبا در آن معکوس می گردد، در عین اینکه علت زیارویی زیارویان و زشتی زشترویان را هم فاش می سازد تا عبرتی برای آیندگان و درسی برای پویندگان راه و رسم یک زندگی سعادت‌مندانه باشد.

داستان‌های قرآن عموماً این هدف را تعقیب می‌کنند می‌فرماید: «لقد کان فی قصصهم عبرة لاولی الالباب» (۱) در داستان‌های گذشته و امت‌های آنها عبرت برای خردمندان است.

و نیز می‌فرماید: «اولم یروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبه الذین من قبلهم» آیا در زمین گردش نمی‌کنند تا بنگرید پایان کار پیشوایان ایشان چگونه بود؟ آنان بیشتر از اینان بودند و نیروی شدیدتری داشتند و آثاری در زمین از خود بجای گذاردند ولی آنچه بدست آوردند ایشان را از مرگ و هلاکت حفظ نکرد.

«و آن هنگام که پیامبران ما با معجزات خود به سوی ایشان آمدند به علم و زیرکی خود شاد و مغرور شدند، تا آنجا که وعده عذابی که آنها مسخره می‌کردند آنان را فرا گرفت، آنگاه که عذاب ما را مشاهده کردند گفتند به خدای واحد ایمان آورده و به آنچه برای خود شریک قرار می‌دادیم کافر شدیم، ولی ایمانشان برایشان سودی نداشت چون پس از دیدن عذاب ما بود و این سنت خداست در میان بندگانش جاری است و

۱. یوسف/۱۱۱.

کافران در چنین مورد زیانکارند» (۲) دقت در این آیات قانونمندی تاریخ را روشن می‌سازد زیرا بعد از آنکه خداوند وضع اقوام گذشته را یاد می‌کند و عذاب آنان را به واسطه مخالفت با انبیاء گوشزد می‌نماید می‌فرماید این سنت الهی است یعنی این یک قانون الهی است که همواره در تاریخ جاری و ساری بوده و هست.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«وفي القرآن نبأ ما قبلکم و خبر ما بعدکم و حکم ما بینکم» (۳)

در قرآن خبر پیشینیان شما و خبر آیندگان شما و دستور اموری که میان شماست آمده است. آری، اخبار پیشینیان آینه است برای آیندگان و چنانچه در روایت آمده - «خذوا النعل بالنعل» تحقق می‌یابد. تاریخ در نهج البلاغه همان راهی را می‌پیماید که در قرآن کریم پیموده است.

📖 کلیدواژه:

نگاه نهج البلاغه به تاریخ، فهم تاریخ؛ شناخت سنت‌ها؛ تسلط بر حوادث تاریخی اهمیت تاریخ از دیدگاه امام علی علیه السلام؛ هدف از مطالعه تاریخ؛ قانونمندی تاریخ؛ تاریخ انبیاء؛ حوادث تاریخی قبل از ظهور اسلام؛ حضرت آدم علیه السلام - فرزندان حضرت ابراهیم؛ اسماعیل و اسحاق علیه السلام؛ حضرت موسی و هارون علیه السلام؛ حضرت داود علیه السلام؛ حضرت سلیمان علیه السلام؛ حضرت عیسی علیه السلام.

📖 نگاه نهج البلاغه به تاریخ:

به طور کلی هدف از تاریخ در نهج البلاغه سه چیز است:

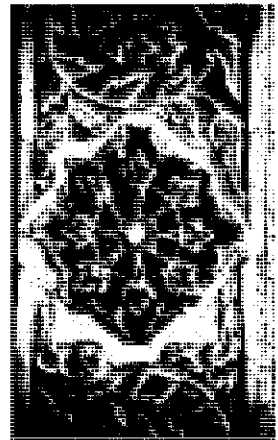
۱- فهم تاریخ و بررسی حوادث آن

از این جهت در قرآن کریم بعد از آنکه هلاکت اقوامی را که با انبیاء مخالفت می‌ورزیدند بیان می‌کند می‌فرماید: «ان في ذلك لآيات لاولي النهي» (۴) در این داستان‌ها نشانه‌هایی برای خردمندان است و امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«واعرض عليه اخبار الماضين و ذكره بما اصاب به من كان قبلك من الاولين و سرفي

ديارهم و آثارهم فانظر فيما فعلو و عما اتقلوا و اين حلوا و نزلوا» (۵)

اخبار گذشتگان را بر خود عرضه دار و به یاد خود بیاور آنچه را رسیده به کسانی که پیش از تو بوده‌اند و در خانه‌های آنها و آثاری که از آنها باقی مانده گردش کن و بنگر که چه کردند و از کجا به کجا منتقل شدند و در کجا فرود آمدند و منزل کردند.



۲. مؤمن ۸۲ تا ۸۵

۳. حکمت ۳۹۳.

۴. طه ۱۲۸.

۵. نامه ۳۱ بخش ۱۲.

امام باقرمان «انظر» دقیقاً ما را به فهم تاریخ و بررسی حوادث آن فرمان می‌دهد.

۲- شناخت سنت‌های تاریخ:

چنانچه در آیات آخر سوره غافر (مؤمن) یاد آور شدیم تاریخ قانونمند است. یعنی حوادث تاریخی تابع علل و اسباب است که در هر قومی و هر زمانی که آن علل و اسباب تحقیق یابد حوادث مترتب بر آن صورت می‌گیرد و قرآن کریم از آن سنت الهی تعبیر می‌کند.
امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«واحدروا ما نزل بالامم قبلکم من المثالات بسوء الافعال وذمیم الاعمال فتذکروا فی الخیر والشرأحوالهم، واحذروا ان تکونوا امثالهم» (۶).

«بر حذر باشید از مصیبت‌های عبرت آوری که به امت‌های پیشین به واسطه کارهای بد و اعمال نکوهیده‌شان نازل شد پس در خوشی و سعادت و بدی و گرفتاری، حالت آنان را به یاد بیاورید و بر حذر باشید که همانند آنها نباشید».
سپس امام علت خوشبختی آنان را اجتناب از تفرقه و ملازم الفت و مهربان بودن و ترغیب و تشویق بر مهر و محبت و سفارش کردن یکدیگر را به آنان می‌شمارند و علت بدبختی آنان و شکستن ستون فقرات ایشان را کینه توزی و حسدورزی و به یکدیگر پشت کردن و دست از یاری هم کشیدن، یاد می‌کنند.

امام در این فقره از کلامشان دقیقاً سنت تاریخ را بیان می‌نمایند.

۳- تسلط بر حوادث تاریخ:

سخن امام علیه السلام در اینجا چه زیبا و رساست که در وصیت نامه خود به امام مجتبی علیه السلام می‌فرماید: (۷)

«ای فرزندم هر چند من به درازای عمر پیشینیان عمر نکردم ولی در کارهای آنان نگرستم و در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان گردش کردم تا اندازه‌ای که گویا یکی از ایشان شدم، بلکه به واسطه اموری که از ایشان به من رسید گویا با نخستین فرد ایشان تا آخرینشان زیسته‌ام. دقت در این کلمات به طور روشن لزوم اطلاع و اشراف بر تاریخ را می‌رساند.

با توجه به آنچه گذشت نتیجه می‌گیریم که برای بهره‌گرفتن از تاریخ به این سه چیز نیازمندیم که تاریخ را بفهمیم و ستن آن را فرا بگیریم و بر آن اشراف داشته باشیم. اینک با توجه به این مقدمات و با بضاعت مزجات و در حد معلومات خود به بررسی بخش‌هایی از مسائل تاریخی در نهج البلاغه می‌پردازیم.

مطالبی را که در این موضوع مورد توجه قرار گرفته، متذکر می‌شویم:

۱. اهمیت تاریخ از دیدگاه امام علی علیه السلام.



۶ خطبه ۱۹۲ بخش ۸۱
۷. بخش ۲۴ تا ۲۶ نامه ۳۱.

۲. هدف از مطالعه تاریخ (عبرت گرفتن از تاریخ).

۳. قانونمند بودن تاریخ.

۴. تاریخ انبیاء در نهج البلاغه. ۱-۴. داستان حضرت آدم (ع) ۲-۴. داستان

فرزندان اسماعیل و اسحاق و یعقوب (ع) ۳-۴. داستان حضرت موسی و

هارون (ع) ۴-۴. داستان حضرت داوود (ع) ۵-۴. داستان حضرت سلیمان (ع)

۶-۴. داستان حضرت عیسی (ع) ۵. دوران جاهلیت از دیدگاه امام.

۶. تاریخ پیامبر اسلام قبل از بعثت.

۷. تاریخ پیامبر اسلام از بعثت تا هجرت.

۸. تاریخ پیامبر اسلام از هجرت تا وفات.

۹. تاریخ خلفای سه گانه.

۱۰. تاریخ دوران خلافت ظاهری.

۱۱. حوادث تاریخی که بعد از خود خبر داده است.

۱-۱۱. حکومت بنی امیه. ۲-۱۱. حکومت بنی عباس. ۳-۱۱. خروج صاحب

الزنج در بصره. ۴-۱۱. هجوم مغول. ۵-۱۱. دولت امام زمان (عج).

۱- اهمیت تاریخ از دیدگاه امام علی (علیه السلام):

در باره اهمیت تاریخ از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، همان دو جمله ای که از

وصیت نامه امام به فرزندش امام مجتبی (علیه السلام) یاد شد کافی است که جمله

دوم را تکرار نموده و متمم آن را هم یاد می کنیم.

«ای فرزندم، هر چند من به درازای عمر پیشینیان عمر نکردم ولی در کارهای

آنان نگریستم و در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان گردش کردم تا

اندازه ای که گویا یکی از ایشان شدم، بلکه به واسطه اموری که از ایشان به

من رسید گویا با نخستین فردایشان تا آخرینشان بودم، از این رو صاف و زلال،

حوادث تاریخ را از تیره و تاریک آن شناختم و سودمند آن را از زینبارش

دانستم و برای تو از هر چیزی خالص و گزیده آن را انتخاب نموده، زیبایی

آن را برای تو قصد کردم و مجهول و ناشناخته آن را رها ساختم.» (۸)

امام علی (علیه السلام) در این بخش از وصیت نامه خود به نکات مهمی اشاره فرموده اند

۱- اشراف بر حوادث تاریخ، تا آنجا تاریخ را مطالعه و در آن تعمق و تدبر

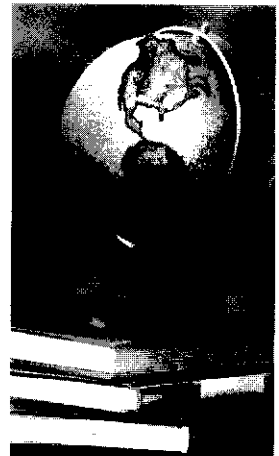
کرده اند، که گویا همراه همه انسان های تاریخ ساز بوده اند.

و به طور قطع یکی از عوامل گمراه کننده انسان ها سطحی نگری در

حوادث و رویدادها بوده است.

۲- تاریخ دارای مطالب صافی (زالال) و روشن و تیره و تاریک است و

مطالعه کننده تاریخ باید آنها را تشخیص داده و از هم جدا سازد و گرنه تنها



نتیجه مطلوب را از تاریخ نمی گیرد، بلکه چه بسا لغزش ها و گمراهی هایی را در پی دارد.

شک نیست که زور مداران و زراندوزان، همواره تاریخ را به نفع خود تحریک کرده و می کنند تا جایی که فاسدان مفسد را صالحان مصلح و ظالمان و مجرمان را عادل و نیکو کار جلوه می دهند؛ معاویه تاریخ را تا آنجا تحریف می کند که علی علیه السلام اسوه تقوی و فضیلت را در منابر اسلامی سب و لعن کنند و برای سمره بن جندب، آن صحابی منافق چهارصد هزار درهم فرستد که بگوید: «و اذا تولى سعي في الارض يفسد فيها» (۹) درباره علی علیه السلام و آیه «من الناس من يشرى نفسه ابتغاء مرضات الله» (۱۰) درباره ابن ملجم است. (۱۱) در نهج البلاغه، امام علی علیه السلام گاهی از این تحریفات تاریخ شکوه می کنند. در خطبه شقشقیه می فرماید:

«متي أعترض الرب في مع الأول منهم حتي صرت أقرن الي هذه التطاير» (۱۲)

«چرا زمان نسبت به فضیلت من نسبت به نخستین ایشان (ابوبکر) تردیدی رخ داد تا اینکه من همتای همانندهای او (عثمان و سعد و ابن عوف و طلحه و زبیر) قرار گرفتیم.»

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه نقل می کند که امام علیه السلام فرمود:

«كمت في أيام رسول الله كجزء من رسول الله ينظر الي الناس كما ينظر الي الكواكب في أفق السماء ثم غض الدهر مني فقرن لي فلان وفلان ثم قرنت بخمسة أمثلهم عثمان فقلت واذفراه ثم يرض الدهر لي بذلك حتي أردلني فجعلني نظيرا لابن هند وابن التابع» (۱۳)

من در زمان رسول خدا همانند پاره تن او بودم. مردم آنگونه به من نگاه می کردند که به ستارگان در افق آسمان می نگرستند، سپس روزگار مرا پایین آورد و همتای اولی و دومی قرار داد و باز مرا پایین آورد تا قرین پنج نفر قرار داد که بهترینشان عثمان بود. پس گفتم: «و اذفراه» (کلمه ای است که برای اظهار تفر بکار می برند) ولی باز روزگار به این هم راضی نشد تا این اندازه مرا پایین آورد که در ردیف پسر هند (معاویه) و پسر نابغه (عمر و عاص) قرار داد.

۳- مطالبی که در تاریخ مبهم است و محتوای قابل قبول و سند مقبولی ندارد. باید رها کرد و وقت گرانمایه را صرف آنها ننمود.

مطالب دروغینی در تاریخ که برای سرگرم کردن افراد یا فضیلت تراشی برای اشخاص و مانند اینها آورده شده، جز تزیین وقت چیزی به دنبال نخواهد داشت. ادامه دارد.



۹. بقره/۲۰۵.

۱۰. شرح نهج البلاغه ابن ابی

الحدید/ج ۴/ص ۷۳.

۱۱. همان.

۱۲. بخش ۹.

۱۳. ج ۲۰/ص ۳۲۶.